

● نظر و هنر از دریچه دید ایرانیان باستان، دو گوشه از سه گانه خرد، هنر و بهی است. این سه گانه را افلاطون با تعبیر حقیقت، خیر (نیکی) و جمال (زیبایی) تبیین می کرد. با کمی تأمل می شود دریافت که افلاطون حقیقت را به عنوان هدف و غایت خرد، عقل یا نظر مطرح کرده است؛ همان گونه که هدف از اعمال را خیر و هدف از هنر را زیبایی می دید.

این هم آهنگی و هم سوگیری را در معانی، علی رغم تباعد نگرش ها و مکان ها و زمان های طرح آن ها، شاید بتوان در سنت های کهن یا سنت های قویم یافت؛ لیکن هنگامی که پای تضادهای بنیادین نگرش ها به میان می آید، باید مراقب تضاد و تفاوت یا حتی ترتیب مدارج معنی های مستفاد از اصطلاحات در میان این نگرش ها بود. عمده سوء تفاهم ها برخاسته از بی توجهی به معانی اصطلاحات تخصصی در عرصه علوم و معارف بشری و الهی است. دانش ها و آگاهی هایی که از نگرش های متفاوتی به موضوعات به ظاهر مشترک می نگرند و گاه با تعمیم نگرش خود یا مبنای قرار دادن آن در یک تبیین، نگرش و تبیین حریف را شایسته رد و رفض می شمارند.

ابو عبدالله محمد خوارزمی در مقدمه کتابش مفاتیح العلوم آورده است که آشنایی با واژه شناسی و علم لغت به تنهایی تا هنگامی که برای تحصیل دانش ها و علوم دیگر به کار گرفته نشود، سودمند نیست. لیک برای هر دانش پژوه در مطالعه علوم و تتبع در دانش ها، آشنایی با اصطلاحات و لغات، ضروری است. هر حوزه ای از دانش دارای اصطلاحاتی خاص است و گاهی یک اصطلاح در معانی و وجوه متفاوتی در آن علوم به کار گرفته می شود. همانند اصطلاح «رجعت» که اهل لغت از آن چیزی می فهمند و اهل فقه، عالمان کلام، کاتبان یا دبیران و منجمان هریک به فراخور حوزه خاصشان چیزهای دیگری از آن درمی یابند.

نکته ای را که لازم است به سخن خوارزمی بیفزاییم این است که نباید سیر تحول اصطلاحات متناسب با شرایط و حال و هوای زمانه ای که در آن این اصطلاح به کار رفته، نادیده انگاشت. با همین اهمیت، نگرش خاص یک محقق و تعمد او را در تأکید بر یک وجه از وجوه معانی یا حتی برگرداندن آن اصطلاح به معانی ریشه ای و لغوی آن، و نیز ترجمه یک اصطلاح از یک زبان به زبان دیگر، با در نظر گرفتن این امر که ممکن است اصطلاح زبان مقصد دقیقاً همه معانی مورد نظر نگارنده در زبان مبدأ را نداشته باشد، هم جای توجه دارد. برای نمونه به اصطلاحات being, esse, وجود و هستی در عرصه ترجمه آثار فلسفی مکتب existentialism توجه می دهیم. یا به اصطلاحاتی نظیر arta, ars, art, ἀρτε, artā و rita

مقدمه

ایرج داداشی

زبان‌های پارسی، انگلیسی، یونانی، پهلوی و اوستایی و سنسکریت نیز می‌توان اشاره کرد. برخلاف ریشه‌های مشترک آن‌ها برخی از این اصطلاحات معانی کاملاً متفاوتی را در زبانی که بدان تعلق دارند، افاده می‌کنند. به‌دشواری می‌توان روابط منطقی میان این مفاهیم متفاوت را توضیح داد. این امر شامل کلمه یا اصطلاح «نظر» هم می‌شود.

کلمه theory که ظاهراً از حدود ۱۶۱۳م. در زبان انگلیسی رواج یافته و از واژه فرانسوی *théorie* گرفته شده که آن هم از واژه لاتینی *theoria* و آن نیز متوارد از زبان یونانی و مأخوذ از واژه *θεωρία* است، که به معنای *contemplation, speculation, a looking at, things looked at* است. از واژه‌های هم‌خانواده آن در زبان یونانی *θεωρέω* که به معنای *I look at, view, consider, examine* است و واژه *θεωρός* که به معنای *spectator* آمده و مرکب از *θεά* به معنی *a view* و *ὀράω* به معنای *I see, look* است.^۱ علاوه بر متون یونانی در نسخه متقدم به زبان یونانی انجیل لوقا (۲۳:۴۸) نیز واژه *θεωρία* ذکر شده است، که آن را *A beholding, a sight, spectacle* ترجمه کرده‌اند.^۲ لغات یونانی مذکور در بالا همگی از ریشه *θεα* یا *θαυ* هستند. از معانی دیگر که برای لغت *θεωρέω* برشمرده‌اند *consider philosophically* یا تأمل فلسفی و اندیشیدن خردمندانه، *to observe* یا معاینه و مشاهده، *philosophize* یا تفلسف، *game* فرستاده ویژه ایالت به معبد^۳ یا به مسابقه، *to be sent to consult an oracle* فرستاده‌شدن به معبد برای مشورت و رایزنی، *gazing from on high* یا نگریستن از بلندی است.^۴

واژه *theory* را به یونانی *θεωρία* (*theoria*) می‌خوانند، همیشه به «نظر» ترجمه می‌کنند، و آن را در برابر «عمل» یا *practice* که در یونانی *πρᾶξις* (*praxis*) گفته می‌شود، می‌نهند. گاهی نیز آن را در کنار روش یا *method* قرار می‌دهند؛ که خود از حیث معنایی دلالت بر «فرارفتن» یا «دیگرسوی را جستن» دارد. زیرا واژه یونانی *μέθοδος* متشکل از دو واژه *μέθο* و *οδος* که به معنای «فرا» و «به راهی رفتن» است؛ یعنی «دیگرسوی» چیزی را جستن. مفهوم ریشه‌شناختی یا *etymologic* کلمه *theory* را دیدن و نگریستن یا *looking* دانسته‌اند. پس آن را از طریق تحول معنای *contemplation* به *mental conception* یا تصور ذهنی نیز ترجمه می‌کنند؛ که البته باید دانست این تحول ناشی از تحول در نگرش اندیشمندان غربی بین سده ۱۷ تا ۲۰ میلادی است. زیرا

1- Dictionary.com Unabridged, Based on the Random House Dictionary, © Random House, Inc. 2010.

Online Etymology Dictionary, © 2010 Douglas Harper

The American Heritage® Dictionary of the English Language, Fourth Edition, Copyright © 2009 by Houghton Mifflin Company, Published by Houghton Mifflin Company.

Merriam-Webster's Collegiate Dictionary, Eleventh Edition on CD-ROM, Copyright © 2003, by Merriam-Webster Incorporated, Version 3.0

2- Wesley J. Perschbacher (Editor), The New Analytical Greek Lexicon, USA © Hendrickson Publication Inc. 1990, pp. 201-202.

۳- معبد یا *oracle*: [در تاریخ یونان] نام معبد شهر Delphi که یونانیان پاسخ‌های غیبی از کاهنان آنجا می‌گرفتند، الهام‌گاه، [مجازاً] پاسخ غیبی، پیشگویی، الهام، پاسخ سر بسته یا مبهم، ملوک‌الکلام، وسیله مکاشفه، [در تورات] قدس‌الاقداص؛ سلیمان حیییم، فرهنگ یک‌جلدی انگلیسی فارسی حیییم، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۶۸.

4- Henri George Liddell, D.D. and Robert Scott, D.D., A Greek-English Lexicon, Eighth Edition, Revised Throughout American Book Company, New York Chicago, Cincinnati, Harper & Brothers 1882, pp. 673-674.

معنای contemplation همان گونه که از ظاهر واژه نیز پیداست، «شهود در معبد» است، و یادآور مکان مقدسی است که در آن کاهنان به مکاشفات معنوی می‌رسیدند. واژه contemplāreī هم در روزگار روم باستان در اصل «مشاهده دقیق طالع» بوده است.^۵

● نشریه هنر و نظر که به همت متولیان و اعضای هیئت علمی دانشکده علوم نظری و مطالعات عالی هنر و همکاری بسیار فروتنانه و دانشورانه دانشجویان عضو انجمن‌های علمی دانشکده منتشر می‌شود؛ وظیفه خود را ورود به عرصه مباحث نظری، اعم از علمی، حکمی و فلسفی، اجتماعی، انسان‌شناختی، روان‌شناختی، ادبی، فقهی، کلامی، تاریخی و عرفانی و سایر حوزه‌های مرتبط و منتسب با هنر یا متوقع از هنر می‌داند. التزام به روش‌های دانشگاهی و علمی و کارآمد برای تبیین معانی و موضوعات، در شمار بایستگی‌های نخستینی است که هریک از نویسندگان باید مدنظر قرار دهند. سپاسگزار کوشش همه عزیزانی هستیم که انتشار نخستین شماره این نظریه را تحقق بخشیدند.